

در محکومیت سیاه روز " 7 اکتوبر "

روزتهاجم نظامی امپریالیستهای غارتگر امریکائی و ناتوبه افغانستان

بعد از حمله به برجهای مرکز تجارت جهانی در نیویورک و پنتاگون بتاريخ " 11 سپتمبر " 2001 میلادی؛ ابر قدرت امپریالیستی امریکا بلا درنگ گروه القاعده برهبری اسامه بن لادی را که در افغانستان تحت حمایت رژیم طالبان قرار داشت؛ متهم اصلی این حادثه معرفی کرد. در حالیکه تاکنون عاملین اصلی این حادثه در پرده ابهام باقی مانده است. با وقوع حادثه " 11 سپتمبر " امپریالیسم امریکا در صدد عملی کردن نقشه ها و اهداف شوم سلطه گرانه و استعماری اش علیه خلقهای تحت ستم در مناطق مختلف جهان از جمله خلق مظلوم افغانستان برآمد. اشغال نظامی و به مستعمره کشیدن افغانستان که در استراتژی قبلی دولت امریکا تا سال 2024 میلادی معین شده بود؛ ولی طبق استراتژی جدید دولت امریکا برهبری دونالد ترامپ برای افغانستان حکایت از " زمان نامعلوم " دارد. این خود بوضوح استراتژی و اهداف شوم پنهانی دولت امریکارا در این منطقه و بخصوص در افغانستان آشکار می سازد. امپریالیسم غارتگر امریکا « جنگ ضد تروریستی » را در سطح جهان اعلام کرده و بامتحیدن ناتواقدم به تدارکات نظامی گسترده کردند. ماشین پروپاگند دولت امریکا و دیگر کشورهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی متحد آنها با کار افتاده و جهت منحرف کردن افکار جهانیان درباره عاملین اصلی این حادثه و آماده کردن اذهان خلقهای کشورهای امریکا و اعضای ناتوا استراتژی « جنگ ضد تروریستی » از جانب دولتهای شان در سطح گسترده فعالیت کرده و مزورانه این تجاوز و تهاجم نظامی جنایتکارانه علیه خلق و خاک افغانستان را « نجات » مردم افغانستان از چنگ « تروریستها » تبلیغ کردند. و همزمان با آن تمام نیروها و گروه ها و عناصر خابین و وطن فروش و ضد مردم در افغانستان با امپریالیستهای امریکائی و ناتو همصدا شده و در جهت اغفال و اغوای خلق افغانستان بر له این استراتژی و نقشه جنایتکارانه امپریالیستهای امریکائی و ناتو تبلیغات کردند. طی حدود یکماه روزانه تعدادی از این قماش « روشنفکران » از طریق رسانه های جمعی کشورهای امپریالیستی از جمله (بی بی سی و صدای امریکا) در وصف این استراتژی جنایتکارانه امپریالیسم و راجی کرده و کودنانه نوید « افغانستان آباد و آزاد و مرفه » را می دادند. ولی برخلاف این نوکران حقیر امپریالیسم کنون بعد از هفده سال افغانستان کشوری نیمه فئودالی و مستعمره ، فقیر و عقب مانده که یک ثلث نفوس آن محتاج کمکهای غذایی ناچیز ماهانه ملل متحد هستند و بیکاری و فقر و گرسنگی و امراض مختلف جسمی و روانی بیداد می کند. افغانستان از جمله بزرگترین کشور تولید کننده تریاک و هیروئین و حشیش در جهان بوده و از جمله فاسد ترین دولتها در جهان است. تسلط فرهنگ مردسالارانه، بی حقوقی و انواع ستم و خشونت علیه زنان، وجود صدها هزار کودک فقیر و گرسنه در خیابانها که مجبورند تن به شاقه ترین کارها بدهند و یا دست به گدائی دراز می کنند و صدها تن آنها بوسیله افراد شرف باخته، بی وجدان و فاسد مورد سوء استفاده های جنسی قرار گرفته اند، میلیونها تن کودک از حق تحصیل محروم اند و کودکان و زنان از ابتدائی ترین حقوق انسانی شان محروم هستند. اینها و ده ها مورد دیگر از فقر و فلاکت و ستم و مظالم بعلاوه وحشت و نگرانی دایمی از حملات ناگهانی گروه های وحشی طالبان و داعش و حقانی و ارتش دولت مزدور و ارتشهای اشغالگر که توده های خلق همه روزه به آنها مواجه هستند؛ همه اینها نتیجه سلطه استعماری امپریالیستهای جنایتکار امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده متشکل از گروه های جنایتکار و خابین و خود فروخته می باشد. و تا زمانیکه این اوضاع و شرایط بر کشور حاکم است؛ خلق افغانستان هرگز روی آرامش و آسایش محدود را هم نخواهد دید.

بعد از " 11 سپتمبر" امپریالیستهای امریکائی و ناتو در تبلیغات شان این مطلب را به میان کشیدند که گویا تروریستهای اسلامی «تمدن» های آنها را نشانه گرفته اند و باید به یک جنگ «بی انتها» علیه آنها ادامه آماده شوند. درحالیکه همین گروه های ارتجاعی اسلامی «افراطی» تحت رهبری اسامه بن لادن و دیگر گروههای اسلامی را امپریالیستهای امریکائی و اروپائی در زمان جنگ مقاومت مردم افغانستان علیه ارتش سوسیال امپریالیسم «شوروی» و دولت مزدور «خلق» پرچمی ها در جهت منحرف کردن مسیر جنگ آزادی خواهانه مردم افغانستان و وارد کردن ضربات بیشتر بر رقیب سوسیال امپریالیست شان، در کنار گروه های ارتجاعی اسلامی افغانستان بسیج و سازماندهی و تسلیح و تمویل کردند. چنانکه گذشت زمان این امر را ثابت ساخت که قدرتهای امپریالیستی نظر داشتند تا از این لشکریان اسلام برای اهداف غارتگرانه بعدی شان نیز استفاده کنند. و ما چند سال قبل شاهد انتقال این گروه ها به لیبی در جهت سرنگونی حکومت معمر قذافی و همچنین انتقال آنها به سوریه در جهت سرنگونی رژیم بشار اسد بوده هستیم. و طی چهارده سال اخیر در افغانستان شیوه جنگ ارتشهای امپریالیستهای امریکائی و ناتو ارتش دولت مزدور آنها با گروه های طالبان و القاعده و حقانی و "داعش" این را بوضوح نشان می دهد که اینها هیچگاهی اقدام به نابودی کامل این گروه های وحشی و جنایتکار نکرده اند. امپریالیستهای امریکائی و متحدین ناتو آن سعی می کنند تا جنگ را با گروه های اسلامی طولانی کنند تا تمسک و بهانه ای برای تداوم اشغال نظامی و تسلط استعماری آنها در افغانستان و منطقه وجود داشته باشد. به همین لحاظ طی بیش از یک و نیم دهه در افغانستان ارتشهای امریکا و ناتو ارتش دولت مزدور بیشتر مصروف مانور نظامی علیه این گروه ها بوده اند. همچنین گزارشهای زیادی از شکایات افسران و افراد ارتش و پولیس دولت مزدور در افغانستان وجود دارد که به آنها دستور داده شده که در اکثر موارد در برابر حملات گروه های اسلامی در "حالت دفاعی" قرار داشته باشند. در این جنگ غارتگرانه بیشترین تلفات جانی و خساره های مادی بر مردم مظلوم و بی دفاع افغانستان وارد شده و روزانه ده ها تن آنها کشته و زخمی می شوند. طی مدت یک و نیم دهه، ده ها هزار تن را کشته و هزاران خانه و کلبه و باغ و کشتزار آنها را ویران کرده و صدها هزار تن را مجبور به فرار از قریه ها و اوولایات شان کرده اند. البته بین گروه های ارتجاعی اسلامی و دولتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی تضادهای معینی وجود دارد؛ لیکن خصلت تضاد بین این گروه ها و قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی از جمله خصلت تضاد بین دسته بندیهای ارتجاعی بوده و تضاد آشتی پذیر است. گروه های ارتجاعی اسلامی «افراطی» مانند القاعده، طالبان و "داعش" نظریه ماهیت طبقاتی و ایدئولوژی و اهداف سیاسی شان با امپریالیسم تضاد اساسی ندارند. همچنین تضاد دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی با این گروه تضاد آشتی پذیر است. اینکه در مقاطع زمانی تضاد بین آنها حدت یافته و به جنگ مسلحانه کشیده است؛ بحث دیگری است. این موضوع ناشی از خصلت طبقاتی قدرتهای امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی است. و در زمانی دیگر که منافع طبقاتی و اهداف سیاسی شان ایجاب کند در همسویی و اتحاد باهم قرار گرفته و در سرکوب خلفها و جنبشهای انقلابی پرولتری و دیگر جنبشهای سیاسی مترقی در یک جبهه قرار می گیرند. امپریالیستهای امریکائی و ناتو در برابر این نیروها از پالیسی "توسعه و تحدید" کاری گیرند. چنانکه خود دولت امریکا اذعان می کند که اکنون طالبان حدود 60 درصد خاک افغانستان را در تصرف دارند. البته دولت امریکا در مواردی علیه عناصر سرسخت و اطاعت نا پذیر این گروه ها به اقدامات جدی نیز متوسل شده است از جمله قتل اسامه بن لادن و قتل ملا اختر محمد منصور رهبر "امارت اسلامی طالبان" و چند تن دیگر آنها طی سالهای اخیر، که این در اصل موضوع چگونگی رابطه بین قدرتهای امپریالیستی و گروه های ارتجاعی اسلامی "افراطی" تغییری وارد نمی کند. این گروهها در جهت زمینه سازی برای تجاوز و اشغالگری نظامی قدرتهای امپریالیستی به کشورها نقش بازی کرده اند و فجع ترین جنایات را علیه خلقهای این کشورها روا داشته اند. و بارزترین مثالهای آن افغانستان و کشورهای سوریه و عراق می باشند. قدرتهای امپریالیستی در طول تاریخ وجودی شان به منظور تحت فشار قرار دادن و تهدید زحمتکشان کشورهای شان

ویا اعمال استبداد و اختناق بر آنها تا اینکه بروضعیت فعلی معیشتی شان " قناعت" کرده و از حقوق و مطالبات بیشتر صرف نظر کرده و یا به مبارزه انقلابی در جهت سرنگونی نظام سرمایه داری جهانی و امپریالیسم روی نیاورند؛ همواره متوسل به نیرنگ دشمن فرضی در سطح جهان شده اند. در قرن بیستم درباره «هیولای کمونیسیم» [اینجا منظور تا زمانی که نظامهای سوسیالیستی در اتحاد شوروی (تا سال 1956) و کشور چین (تا سال 1976) برقرار بود و نظامهای دموکراتیک توده ای در کشورهای اروپای شرقی (تا سال 1956) وجود داشتند، می باشد] به تبلیغات واهی و گمراه کننده زیر نام «خطر کمونیسیم» ادامه دادند. در حالیکه برخلاف این ادعای پوچ و دروغ امپریالیسم و ارتجاع جهانی، کمونیسیم انقلابی دوست واقعی و حامی پرولتاریا و سایر خلقهای زحمتکش و ملل تحت ستم در سراسر جهان بوده و خواهد بود. قدرتهای امپریالیستی همچنین قرن بیست و یکم را با تبلیغات گمراه کننده درباره مترسک «تروریسم اسلامی» که ساخته و پرداخته خود آنها است؛ آغاز کرده و زیر این نام به اشغال نظامی و تسلط استعماری و کشتار خلقها و ویرانی کشورها و کنترل و غارت منابع آنها ادامه می دهند.

بعد از آنکه رژیم طالبان از تحویل اسامه بن لادن به دولت امریکا ابورزید؛ امپریالیستهای امریکائی و ناتو بتاريخ "7 اکتوبر" (2001) میلادی خاک افغانستان و خلق بیدفاع آن را از فضا و زمین مورد حملات نظامی و وحشیانه قرار داده و طی حدود دوماه با پرتاب صدها هزار تن بمب مرگزا و مخرب هزاران تن از خلق مظلوم افغانستان را بقتل رسانده و هزاران تن دیگر را مجروح و معلول کردند. خلق افغانستان که طی دوونیم دهه قبل از (7 اکتوبر 2001) تحت رژیم فاشیستی باندهای جنایتکار «خلقی» پرچمی ها و زیرچکمه های ارتش جنایتکار و غارتگر سوسیال امپریالیسم «شوروی» و تحت رژیمهای تئوکراتیک گروه های جهادی و امارت اسلامی طالبان و مداخلات بیشرمانه و جنایتکارانه امپریالیستهای غربی برهبری ابر قدرت امپریالیستی امریکا و دولتهای ارتجاعی از جمله دولت پاکستان و عربستان سعودی به طرز وحشتناکی عذاب کشیده و در گردابی از فقر و بیچارگی، گرسنگی و آوارگی دست و پامی زدند؛ یکبار دیگر توسط ماشین جنگی امپریالیستهای امریکائی و اروپائی این «متمدن» های وحشی و غارتگر بخاک و خون کشیده شده و ویرانیهای بیشتری بر این سرزمین ویرانه بوجود آوردند.

قبل از اینکه ارتشهای متجاوز و جنایتکار امپریالیستهای امریکائی و شرکای ناتو آن تهاجم نظامی رابه خاک افغانستان آغاز کنند؛ گروهی از سازمان "سیا" امریکا توسط هلیکوپتر بقول خود شان با کیفهای دلار به دره پنجشیر رفته و گروه های شامل در "ائتلاف شمال" را اجیر کردند تا با آغاز حملات نظامی آنها علیه خلق و خاک افغانستان در رکاب ارتشهای آنها حرکت کنند. در این شرایط امارت قرون وسطائی طالبان مورد غضب ولی نعمتهای سابق شان واقع شده و حاکمیت جبارانه و وحشیانه آنها در آستانه سقوط قرار گرفته بود؛ بلمقابل «ستاره اقبال» گروه های "ائتلاف شمال" که برای مدتی از چشم ولی نعمتهای سابق (امپریالیستهای غربی) افتاده و به آغوش امپریالیسم فدراسیون روسیه پناه برده بودند؛ طلوع نمود. این باندهای ارتجاعی و خاین و وطن فروش طی دوماه در کنار ماشین جنگی امپریالیستهای امریکائی و اروپائی در کشتار خلق و ویرانی کشور سهم گسترده گرفتند. امپریالیستهای امریکائی و ناتو رژیم طالبان را سقوط داده و ضربات محدود نظامی بر گروه القاعده و دیگر گروه های همسخ آنها در افغانستان وارد کردند؛ لیکن بر بنیاد شواهد و فکتهای انکارنا پذیر بصورت پلان شده به رهبران طالبان و القاعده و شمار زیادی از نیروهای جنگی آنها اجازه دادند که به پاکستان بروند.

امپریالیستهای امریکائی و ناتو بعد از سقوط رژیم طالبان بیک نیرنگ استعماری متوسل شده و بتاريخ (27 نوامبر 2001) کنفرانس شهر بن آلمان را ظاهراً تحت اداره مؤسسه ملل متحد دایر کرده و موافقت نامه تشکیل دولت مؤقت را بتاريخ 5 دسمبر اعلام کردند. نیروها و گروه ها و افراد جنایتکار، خاین، وطن فروش و ضد مردم از قبیل "ائتلاف شمال، جرگه روم، کنفرانس قبرس، محاذ ملی، جبهه نجات ملی،

حزب سوسیال دموکرات (افغان ملت) ، «سازمان رهائی افغانستان- راوا» ، حزب «نهضت ملی افغانستان» و سایر گروه ها و عناصر هم‌قماش آنها در این کنفرانس شرکت داشتند. ولی قدرتهای امپریالیستی و ملل متحد اینهارا بنام «نمایندگان» مردم افغانستان تبلیغ کردند. این گروه‌ها و دیگر گروه‌ها و عناصر هم‌سنخ آنها مانند باندهای «خلق» پرچمی «سازائی»، «سفرائی» و تعدادی از تکنوکراتهای خادم امپریالیسم و اپورتونیستهای تسلیم طلب «سازمان آزادی بخش مردم افغانستان (ساما)» به خدمت امپریالیسم و استعمار قرار گرفته و در دولت دست نشانده برهبری کرزی (شاه شجاع سوم) شرکت کردند. امپریالیستهای امریکائی و ناتو بعد از تشکیل دولت مؤقت حدود (2500) NGO را با هزینه صدها میلیون دلار زیر نام «بازسازی افغانستان» تشکیل کرده و حدود هشتاد هزار تحصیل کرده و «روشنفکر» را با معاشهای بلند دالری استخدام کردند. بودجه سالانه این نهادهای «غیردولتی» منبعی برای اختلاس و دزدی مدیران آنها بوده است. قدرتهای امپریالیستی اشغالگر به منظور انحراف افکار خلق افغانستان از اشغال نظامی و به مستعمره کشیدن کشورشان، هدف از تشکیل این نهاد های «غیردولتی» را «بازسازی» کشورشان تبلیغ کردند؛ ولی بخش اعظم بودجه این نهاد ها یا صرف مسایل اداری این نهادها شده و یا مورد دستبرد مدیران این نهادها و عالی رتبه های دولت دست نشانده و مامورین کشورها و نهادهای تأمین کننده مالی "این جی او" ها قرار گرفته و می گیرد. این نهاد های «غیردولتی» و حدود سه و نیم هزار نهاد «جامعه مدنی» و تشکیل بیش از صد حزب سیاسی ارتجاعی و انقیاد طلب و مزدور و صدها روزنامه و جریده و ده ها تلویزیون و بیش از یک صد و پنجاه رادیو در کنار دستگاه دولت دست نشانده بر طبق خواست و اهداف امپریالیستهای اشغالگر و طبقات ارتجاعی فئوال و کمپرادور حاکم در جهت توجیه اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و القای روحیه و افکار انتقید طلبی ملی به توده های خلق و تحصیل کرده های نا آگاه به اشکال و شیوه های مختلف طی هفده سال اخیر فعالیت کرده و از این طریق خلق مظلوم افغانستان را نسبت به اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو بر کشورشان به گمراهی کشانده اند. دولت دست نشانده و همه نهادهای ظاهراً غیردولتی ساخته و پرداخته قدرتهای امپریالیستی؛ خایانه شرایط اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو را که طی هفده سال اخیر ده ها هزار تن از خلق بیگناه را بقتل رسانده و ده ها هزار تن دیگر را مجروح و معلول کرده اند، «افغانستان نوین» خواندند. همچنین تدویر «انتخابات ها» به منظور تعیین رئیس دولت دست نشانده و اعضای پارلمان استعماری را «دموکراسی» و «آزادی» تبلیغ کردند. آنها انتخاباتهای که بوی گند تقلبکاری در آنها حتی مشام اربابان امپریالیست آنها را "اذیت" کرده است. در حالیکه تحت سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و ماهیت دولت دست نشانده آنها این نه دموکراسی که "کلپیتوکراسی" است؛ زیرا همه نیروها و گروه ها و عناصر ارتجاعی جنایتکار و رهن و نوکر امپریالیسم و استعمار که طی چند دهه اخیر علیه خلق افغانستان جنایت و خیانت و غارتگری کرده و انواع مظالم و ستم را بر آنها روا داشته اند ، در دولت دست نشانده سهم دارند. این دولت بمثابه "خوان یغما" ای است که قدرتهای امپریالیستی به این باندهای جنایتکار و روخاین و دشمنان خونخوار مردم افغانستان گسترانده اند. این باندهای رهن فقط مصروف دزدی و غارتگری و رشوه ستانی و غصب اراضی و املاک عامه و مردم و اختلاسهای ده ها و صدها میلیون دلاری بوده و هستند. برخلاف ادعای قدرتهای امپریالیستی و دستیاران بومی آنها طی بیش از یک و نیم دهه کمترین توجه به بازسازی اساسی کشور صورت نگرفته و این عرصه به منبع اختلاس و دزدی مدیران "ان جی او" ها و مامورین بلند رتبه دولت پوشالی و دولتهای امپریالیستی و ارتجاعی در افغانستان تبدیل شده است. کوچکتری توجهی به بازسازی و اعمار زیر بناهای اقتصادی و تولیدی کشور نشده و تقریباً تمام ضروریات زندگی مردم از خارج وارد می شود. بیکاری و فقر و گرسنگی، شیوع امراض میکروبی از جمله توبرکلوز و ایدز، ملاریا و دیگر امراض عفونی و امراض روانی بیداد می کند. افغانستان به بزرگترین تولید کننده تریاک و هیروئین و حشیش تبدیل شده و سالانه بیش از شش هزار تن تریاک تولید می شود. تولید و قاچاق این

تریاک و هیروئین منبع عاید هنگفتی برای طالبان والقاعده وداعش و عالی رتبه های دولت پوشالی و جنرالهای ارتش های اشغالگراست. موجودیت بیش از سه میلیون معتاد به مواد مخدر که نتیجه اوضاع و شرایط حاکم بر کشور است، یکی دیگر از معضلات مصیبت‌آفرین خلق افغانستان است که صدها هزار فامیل رابه ورطه فلاکت و بربادی کشانده است. از جانب دیگر امارت اسلامی طالبان و دیگر گروه های ارتجاعی اسلامی مانند القاعده، گروه حقانی و "داعش" که بر بیش از نصف خاک افغانستان تسلط و نفوذ دارند، به کشتار و جنایت و اخاذی و غارتگری علیه خلق به رمق رسیده ادامه داده و انواع ستم و مظالم و اعمال غیر انسانی را بر آنها روا می دارند. هم دولت دست نشانده و هم سلطه و حاکمیت امارت اسلامی طالبان و دیگر گروه های اسلامی (که از کمک و حمایت همه جانبه مستقیم دولت ارتجاعی و سلطه جوی پاکستان و کمکهای پنهانی امپریالیستهای امریکائی و انگلیسی و دیگر قدرتهای امپریالیستی و دولتهای ارتجاعی برخوردارند) بر محور سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو فعالیت کرده و به جنایات شان علیه خلق افغانستان ادامه می دهند. اکثریت قاطع نیروها و گروه های متشکله در دولت مزدور، سیاه ترین کارنامه از جنایت و خیانت و نقض حقوق بشر علیه خلق افغانستان دارند. از جمله گروه های ارتجاعی اسلامی، باندهای پرچمی «خلق»، «سازائی» و «سفزائی» ها، باندهای ملیشه های مزدور سوسیال امپریالیسم «شوروی» برهبری رشید دوستم. اینها شنیع ترین جنایات را علیه خلق و روشنفکران انقلابی و آزادی خواه مرتکب شده اند.

دولت دست نشانده امپریالیسم و استعمار جهت «قانونیت بخشیدن» به اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و «مشروعیت بخشیدن» به نظام مستعمراتی به تدویر "لویه جرگه" اقدام نمود. با توجه به ماهیت طبقاتی و عملکرد "لویه جرگه" در افغانستان در طول تاریخ تشکیل آن، همان اراده و خواست سران قبایل و اقوام و خوانین و فئودالان و تاجران کمپرادور و روحانیون متنفذ است که «منحیث اراده مردم» جازده شده است. طی چند قرن اخیر از سال (1709 میلادی) تا کنون طبقات حاکم ارتجاعی (دولتها) در جهت اغوای توده های خلق و «مشروعیت بخشیدن» به خواستها و اهداف سیاسی و طبقاتی شان بنام «اراده خلق» از آن استفاده کرده اند. در حالیکه در این لویه جرگه ها امکان حضور هیچ نماینده ای واقعی از جانب خلق افغانستان شرکت نداشته و در کمترین سطح اراده خلق در آن دخیل نبوده است. طی هفده سال اخیر تر فند "لویه جرگه" و «انتخابات ها» وسیله ای است در دست قدرتهای امپریالیستی و ارتجاع مزدور آنها در دولت دست نشانده که از این طریق سلطه استعماری شان و حاکمیت دولت دست نشانده را «قانونیست و مشروعیت» داده اند. مطبوعات کشور های امپریالیستی و دولت دست نشانده و نهادها و احزاب ارتجاعی و مزدور امپریالیسم خائنه و ردیلا نه تر فند "لویه جرگه" و «انتخابات» را «مظهر اراده و خواست» مردم افغانستان تبلیغ کرده می کنند. در حالیکه در شرایط اشغال نظامی و تسلط استعماری امپریالیسم و حاکمیت دولت پوشالی کمترین حرف از «آزادی» و «دموکراسی» و یا اعمال اراده خلق افغانستان در سرنوشت سیاسی و مقدرات زندگی اجتماعی آنها؛ و راجی و یلوه گوئی سفیهانه بیش نیست. دولت دست نشانده امپریالیسم از همان ابتدای تشکیل نظریه ماهیت طبقاتی و خصوصیات تشکلاتی اش عفو عمومی تمام جنایتکاران و آدمکشان و نفاضین حقوق بشر را که از تاریخ "7 ثور سال 1357" باین طرف مرتکب این جنایات و خیانتها علیه خلق افغانستان شده اند، اعلام کرد. بعبارت دیگر باندهای جنایتکار و خاین و میهن فروش شامل در دولت دست نشانده خود و دیگر همقطاران خود را «عفو» کردند. همچنین دولت مزدور نشروپخش وقایع هولناک و جنایات سهمگین، خیانتها، وطن فروشیه و انواع ستم و مظالمی که طی این مدت (که تا کنون چهل سال را در بر میگیرد) از جانب این باندهای جنایتکار و آدمکش و بداران خارجی آنها علیه خلق افغانستان صورت گرفته است را بطور قانونی منع کرده است.

خلق افغانستان و روشنفکران آزادی خواه و میهن دوست خاصاً از تعلق طبقات خلق بایبیدار و آگاه شوند و بیش از این فریب ترندها و اغواگریهای قدرتهای امپریالیستهای مزدوران آنها (نمایندگان طبقات ارتجاعی فئودال و کمپرادور و سایر عناصر ارتجاعی که در دولت دست نشانده جمع شده اند) را نخورده و به اوضاع و شرایط کشورشان و ماهیت طبقاتی این جرگه ها و جریان «انتخابات ها» و اهداف ضد مردمی و ضد ملی آنها توجه کرده و در این انتخابات های استعماری امپریالیستی شرکت نکنند. زیرا شرکت آگاهانه و یا " نا آگاهانه" در این انتخابات ها « مشروعیت دادن» به اشغال نظامی و سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و حاکمیت دولت مزدوران آنهاست. یگانه راه نجات خلق افغانستان از این سلطه و ستم استعماری و وحشیانه امپریالیسم و دولت دست مسلحانه ملی مردمی و جنگ انقلابی خلق تحت رهبری یک حزب واقعاً انقلابی پرولتری است. فقط از این طریق است که خلقهای ملیتهای مختلف افغانستان می توانند به اشغال نظامی و سلطه استعماری امپریالیستهای امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده خاتمه داده و کلاً نظام فئودال کمپرادوری و سلطه امپریالیسم و حاکمیت گروه های طالبان و القاعده و داعش را در کشور سرنگون کرده و دولت دموکراسی نوین را تأسیس کنند. در این صورت است که خلقهای افغانستان به استقلال و آزادی، دموکراسی و عدالت اجتماعی واقعی می رسند.

- مرگ بر امپریالیستهای جنایتکار امریکائی و ناتو و دولت دست نشانده !

- نابود باد سرمایه داری جهانی و امپریالیسم و ارتجاع مزدوران!

- پیروز باد مبارزات انقلابی خلقها علیه امپریالیسم و ارتجاع در سراسر جهان!

7 اکتوبر 2018

(پولاد)